



کتاب‌شناسی انقلاب اسلامی

(طبقه‌بندی و سیر مطالعاتی)

یعقوب توکلی

اشاره:

این مقاله، طی استقرائی که در منابع تاریخ انقلاب بعمل آورده، خواننده را به تحریفاتی که در تاریخ معاصر ایران، بویژه تاریخ انقلاب اسلامی از سوی مخالفان آن بعمل می‌آید، توجه داده و در طبقه‌بندی علمی و مستندی که صورت داده، برخی نقاط ضعیف یا قوت سبکهای مختلف تاریخنگاری انقلاب را توضیح داده است.

تاریخ معاصر ملت ایران که رخداد مهم انقلاب اسلامی را در دل خود جای داده است، مشحون از پیچیدگی‌ها و فراز و فرودهای فراوانی است که بازشناسی آنها فرصت، زمان و تحقیق و پژوهش بسیاری می‌طلبد.

ساده‌بینی است اگر بخواهیم تاریخ معاصر و انقلاب اسلامی را در چند کتاب و یا اسناد خلاصه نمائیم و یا با برداشتی یک سویه حوادث را تحلیل نمائیم.



به همان میزان که دوران معاصر و انقلاب اسلامی به علت شرایط و بستر زمانی و اهمیت استراتژیک و باورهای دینی و تعارض نظام حاکم و قدرتهای جهانی با آن، بسیار پیچیده و درهم آمیخته از گوناگونی‌های بسیار است، تاریخ نگاشته شده آن نیز گرفتار پیچیدگی و درهم آمیختگی ابهام، یکسویه‌نگری و نگارش براساس منافع جریانهای مختلف است. ما تلاش خواهیم کرد به طور اجمال چگونگی تدوین تاریخ و طبقات متعدد و نگرشهای گوناگون نسبت به حوادث تاریخ معاصر و انقلاب اسلامی را ترسیم نمائیم.

این تلاش هرچند ممکن است به طور دقیق نتواند صفبندی‌های مختلف را ترسیم نماید اما قطعاً خطوط کلی این صفبندی‌ها را از هم متمایز خواهد نمود و نگرشی نسبتاً جدید نسبت به چگونگی قرائت‌های مختلف از تاریخ انقلاب بدست خواهد داد. این طبقه بندی بر اساس استقراء نگارنده از آثار منابع مربوط به تاریخ انقلاب صورت گرفته است و تأکید می‌نماید که یک امر قیاسی مطلق نمی‌باشد.

۱- مبانی طبقه بندی

سالهای حکومت پهلوی در ایران غالباً با تعارض ملت و حکومت همراه بوده است و غالب این تعارضات مواجهه‌هائی خونین و همراه با پیامدهای ناگوار برای مردم و مخالفان رژیم بوده است. تعارض مداوم مردم و حاکمیت، منتهی به تلاش برای ترسیم چگونگی این تعارض، مشروعیت یا عدم مشروعیت نظام حاکم، پیشرفت و عقب‌ماندگی، همگی مباحث جدی سالهای حکومت پهلوی بوده است. هرچند این موضوعات در هر کدام از گرایشات عقیدتی و سیاسی به طرز متفاوتی مورد بررسی قرار می‌گرفتند. با آغاز امواج انقلاب اسلامی و خیزش سریع آن برای سقوط نظام سلطنت این تعارض در تحلیل موضوعات و حوادث را تشدید کرد. و با پیروزی انقلاب اسلامی سرعت گرفت.

در یک نگاه دقیق، نیروهای حاکمیت پهلوی به دو جریان اصلی تقسیم می‌شوند.

۱- عوامل ایرانی رژیم

۲- فرمانروایان امریکائی و انگلیسی

عوامل ایرانی حاکمیت پهلوی، در تاریخ‌نگاری معاصر و انقلاب اسلامی جایگاه قابل توجه و درعین حال



کاملاً در خور نقد و بررسی دارند که مجموعه آنها را از باب وحدت روش و برناشته‌ها تحت عنوان «تاریخ‌نگاری پهلوی‌ها» آورده‌ایم و به چند دوره طبقه‌بندی می‌شوند:

دوره اول - عصر رضاخان

در این دوره، عمده توجه پهلوی‌ها «باستان‌گرایی» تاریخی، ستایش از رضاخان و تشبیح قاجاریه است و از بحث ما خارج است.

دوره دوم - عصر تثبیت «عصر پهلوی»

در سالهای اولیه حکومت، وی نفوذ چندانی بر ارگانهای فدری و مطبوعاتی ندارد تا جریان تاریخ‌نگاری مشخصی را از ناحیه پهلوی‌ها را بتوان برشمرد هرچند در این دوره تاریخ و تاریخ‌نگاری به گونه‌ای دیگر رقم خورد. اما سالهای پس از کودتای ۲۸ مرداد، تا ۱۳۵۶ سالهای تثبیت حکومت پهلوی است و در این سالها دوره ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۶ از ویژگی خاص خود برخوردار است. در این سالها که «سیاست‌های اقتصادی و سیاسی امریکائی‌ها در ایران به شدت فعال بود و نویدبخش رسیدن به «دروازه‌های تمدن بزرگ» بود و شاه نیز به داد، رسیدن به آن به همین خاطر آثاری از نوع «به سوی دروازه‌های تمدن بزرگ» حکایت از روح منفرعن و باطن پرمدعای حاکم پهلوی داشت.

دوره سوم - عصر سقوط پهلوی‌ها

با وقوع انقلاب اسلامی رژیم متوجه شد که همه آنچه در طول سالیان دراز به دست آورده بود، از دست داده است و باید به گونه‌ای خود را توجیه کند. لذا شاه در ایام تبعید در مکزیک کتاب معروف «پاسخ به تاریخ» را نگاشت^(۱) و به دنبال او خواهرش اشرف پهلوی کتاب «من و برادرم» را نوشت.

اقدام مهم دیگری که در این راستا انجام گرفت، «طرح تاریخ شفاهی ایران دانشگاه هاروارد» بوده است.

این مجموعه که به پیشنهاد و اجرای «حیب لاجوردی» استاد تاریخ دانشگاه هاروارد به انجام رسید مجموعه مصاحبه‌هایی است که با سران گریخته از وطن رژیم پهلوی و بعضاً تعدادی از مخالفین جمهوری اسلامی و همچنین چند نفر از منسوبین به نظام صورت گرفته است.

اما اصل و اساس طرح تحلیل وفاداران به رژیم پهلوی است. که هم‌اینک چند مجله از آن نیز به انتشار



رسیده است خاطرات عبدالمجید مجیدی^(۳) - شاپور بختیار^(۴) - علی ایزدخواستی^(۵) - امیر تیمور کلانی^(۶) از این دسته از خاطرات است.

علاوه بر این چهره‌های سابق رژیم پهلوی، نظیر پرویز راجی تحت عنوان خدمتگزار تخت طاووس - جهانگیر تفضلی^(۷) و فریدون هویدا^(۸) را می‌توان در این مجموعه قرار داد.

مجموعه این منابع هر کدام به دنبال یافتن مقصر وقوع انقلاب هستند که هر یک پس از آنکه به این امر پرداخته‌اند، اما همگی در تفسیح شرایط گذشته و تبریئه خویشتن از جبرائیم و مشکلاتی که سبب وقوع انقلاب شده است وحدت نظر دارند و تلاش همه آنها توجیه نقش و کم‌رنگ کردن حضور خود در حوادث تلخ عصر پهلوی است. اما غالباً واقعیات تاریخی از زبردست آنها خارج می‌شود و در مسیر یافتن مقصر و مجرم به ناچار یاره‌ای از واقعیات تلخ تاریخ پهلوی را مورد اشاره قرار می‌دهند.

۲- فرمانروایان امریکائی و انگلیسی

تردید نیست که دولت امریکا تصمیم‌گیرنده اصلی سیاستهای عمده رژیم پهلوی بوده است شاید بتوان یکی از اصلی‌ترین علل وقوع انقلاب اسلامی و رضایت همه مردم و رهبری انقلاب و گردهمایی سیاسی در صورت مبارزه با نفوذ و سیطره سیاسی و نظامی و اقتصادی و فرهنگی امریکا، اسرائیل و انگلیس برشئون و سرنوشت مات ایران دانام برد.

تا پیش از انقلاب اسلامی کمتر متن سکوب و سند قابل توجهی در دسترس بود تا بتوان این سیطره و اختله بی‌چون وچرای سیاسی نظامی امریکا بر ایران را اثبات کرد.

وقوع انقلاب اسلامی و شکست حکومت دمکرات‌ها به رهبری جیمی کاردر از انقلاب اسلامی و امام خمینی

سبب شد که به ناچار به توضیح و تبیین علل و چرایی شکست از انقلاب اسلامی بپردازند

آثاری نظیر خاطرات جیمی کارتر رئیس جمهور امریکا، برژسینک، مشاور امنیت ملی، ویلیام سولیهان،

سفیر امریکا در تهران^(۸) هامیلتون جردن رئیس دفتر کاخ سفید^(۹)، استانسفیلد ترنر رئیس سازمان

جاسوسی امریکا «اسیا»^(۱۰) ژنرال رابرت هایزر نماینده ویژه نظامی امریکا در ایران، چارلز مک‌کاش فرمانده گروه

مهاجم به طس از امریکائیه و همچنین خاطرات «آنتونی پارسونز» سفیر انگلستان در ایران و «قدرت و



زندگی» نوشته والری ژیسکاردستن رئیس جمهور فرانسه، مجموعه‌ای از گزارشات قابل توجهی است از آنچه که در اردوی دشمنان انقلاب اسلامی و چگونگی فرایند مبارزه با انقلاب گذشته است.

این آثار، سند آشکار دخالت و تصمیم‌گیری در مورد سرنوشت ملت ایران، توسط سران کاخ سفید است. ضمن اینکه بیانگر فقدان شناخت و آگاهی امریکائیه‌ها نسبت به ابعاد، گستردگی و چگونگی نیروهای واقعی انقلاب و رهبری آن است.

علاوه براین، منابع مذکور به خوبی حکایت از اختلاف میان دستگاه رهبری سیاست خارجی امریکا در مورد چگونگی تعامل با انقلاب اسلامی دارد. و دو دیدگاه عمده وزارت خارجه و سازمان سیا به رهبری سایروس ونس وزیر امور خارجه و شورای امنیت ملی و وزارت دفاع به رهبری زبیسگینو برژسینکی مشاور امنیت ملی کاخ سفید در چگونگی مبارزه با انقلاب اسلامی دچار اختلافات عمیق و جدی بوده‌اند که نتیجه این اختلافات عدم وحدت رویه و در نتیجه خنثی سازی فعالیت‌های کاخ سفید بر علیه انقلاب و رهبری آن بوده است. مهمترین مجموعه‌ای که در این گروه به انتشار رسیده است اسناد لانه جاسوسی امریکا^(۱۱) است که در مجلات بسیار به چاپ رسیده است.

هرچند این اسناد توسط دانشجویان پیرو خط امام (ره) طبقه بندی و چاپ شده است، اما به لحاظ اهمیت و بیان نیت درونی دستگاه سیاست خارجی امریکا و چگونگی مبارزه با انقلاب اسلامی و پیوستگی منافع استعمار خارجی و استبداد داخلی مجموعه متونی ارجمند است.

۳- بریدگان از دستگاه پهلوی

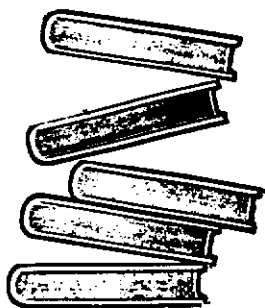
در میان آثار بریدگان از رژیم پهلوی خاطرات ارتشبد فردوست^(۱۲) به چشم می‌خورد. فردوست علی‌رغم پیوستگی عمیق با شخص شاه در اواخر حکومت پهلوی، تا حدودی از رژیم فاصله گرفت. فردوست چندان تمایلی به افشای نقش واقعی خویش در حکومت ندارد.

اما خاطرات دیگری که بیشتر از خاطرات فردوست خاندان سلطنت و وابستگان به آنها را آورده خاطر ساخت خاطرات احمد علی مسعود انصاری با عنوان «پس از سقوط»^(۱۳) بوده است. در این خاطرات انصاری به تبیین روحیات، خلیقات و کارکرد خانواده سلطنت می‌پردازد. مجموعه‌ای مهوع بودن و پلشتی دستگاه پهلوی

و خانواده آنها و پیرامونیان را به وضوح آشکار می‌سازد.

شاید ذکر نام کتاب «در دام تباهی» از «پروین غفاری» نیز خالی از فایده نباشد. هرچند ممکن است خاطرات پروین غفاری یک اثر جلف تلقی شود اما واقعیت آن است که این خاطرات ثابت می‌کند که چگونه زن در خانواده پهلوی فاقد ارزش و اعتبار بوده است و روحیات لات‌منشانه شاه تا چه مضحک بوده است به حدی انسان از تصور حکومت چنین فردی بر کشور و سرنوشت خویش و مردم‌اش جادارد از خجالت آب شود.

خاطرات مینو صمیمی رئیس دفتر امور بین‌المللی فرح پهلوی تحت عنوان «پشت پرده تخت طاووس»^(۱۴) ضمن آن که یک اثر سنگین و قابل توجه است بسیاری از حوادث پشت پرده تخت طاووس را برملا می‌سازد که بسیار در خور توجه است.



۴- مبتذل نویسان و وفاداران به پهلوی

گروه چهارمی که قاعدتاً باید آنها را از مجموعه نیروهای حاکمیت پهلوی‌ها به حساب آورد نویسندگانی هستند که در عصر پهلوی دارای مناصب فرهنگی بوده‌اند و فعالیت‌های فرهنگی و قلمی در راستای منافع نظام سلطه داشته‌اند. و با پیروزی انقلاب اسلامی و تحول در دیدگاه‌های عموم مردم نسبت به حاکمیت پهلوی، آنها نسبت به ارزشهای نظام سلطنتی وفادار مانده‌اند اما با یک واقعیت سیاسی روبرو بودند و آن نظام جمهوری اسلامی برآمده از انقلاب اسلامی بود و کار فرهنگی در عرصه فرهنگی جمهوری اسلامی.

این مجموعه نه آن پیوند عمیق با نظام پهلوی را داشتند که لازم باشد به همراه آنها از کشور بگریزند و نه به نظام سیاسی برآمده از انقلاب اسلامی را علاقمند بودند که بخواهند به دنبال تثبیت اهداف این نظم جدید تلاش نمایند. ضمن اینکه آنها اصلاً انقلاب و نظم جدید را پذیرا نبودند.

مسئله عمده اینان، فعالیت در نظام جمهوری اسلامی با وفاداری نسبت به نظام سلطنتی و مخالفت با انقلاب اسلامی و برای رسیدن به این هدف، نوشتن تاریخ معاصر با تلطیف، رژیم پهلوی و رفتن زیر چتر



شعارهای ملی‌گرایانه بوده است. در آثار این دسته از نویسندگان نظیر مسعود بهنود، خسرو معتضد، محمود طنوعی و باقر عاقلی، نوعی نزدیکی نسبت به آراء طرفداران جبهه ملی و نهضت آزادی دیده می‌شود اما در عین این تقارب ظاهری به طور جدی پیوندها با رژیم پهلوی و تلطیف سیاستهای آنان کاملاً آشکار است.

به عنوان نمونه مسعود بهنود در کتاب «نخست وزیران ایران» از سید ضیاءا بختیار وقتی که به زندگی سیدجعفر شریف امامی نخست وزیر فراماسونر و آنگلو فیل ایران می‌رسد از «دوره نخست وزیرری وی در سالهای ۱۳۳۹-۴۰ و چهره ماه ۱۳۵۷، فقط نوره ۱۳۳۹-۴۰ را ذکر می‌کند ضمن اینکه مدعی است که سیدجعفر شریف امامی در آن دوره، آراء و افکار «معتدل» نیز بوده است «سیاست خارجی نه شرقی و نه غربی» را بنیان نهاده است. علاوه بر این شما اصل آن چهره خوب را در «دغل یا: سفاک سال ۱۳۵۷» را نمی‌بینید که کشتار هفده شهریور تهران و آتش‌سوزی سینما رکس و اعلام حکومت نظامی را در آستین خود دارد و آقای بهنود در سه تاریخ‌نیرار دولت دوم شریف امامی نیز اصلاً ذکر می‌کند به میان نمی‌آورد. مشخصه عمده این دسته از نویسندگان که ما آنان را «مبتذل نویس» می‌نامیم، در چند چیز خلاصه می‌شود:

۱- روان‌نویسی: به لحاظ ادبی آثار این دسته از نویسندگان از روانی خاصی برخوردار است که در سایر مجموعه‌ها به چشم نمی‌خورد.

۲- داستان‌پردازی: بسیاری از آنچه که در این دسته از کتب آمده است محضاً ذهن این نویسندگان است و نه حقایق تاریخی به طوری که اندام خود را در برابر «ما» سیاسی و تاریخی می‌بیند تا یک متن تاریخی معتبر که آثار بهنود و خسرو معتضد در این زمینه خیال‌پردازی‌های بیشنرم دارند.

۳- فقدان منابع: تقریباً غالب این کتب بدون منبع است. سه خصوصیت اخیر این دسته از آثار را در ردیف آثار «بی‌حاشا» منصوری می‌گذاریم.

۴- کتاب‌سازی: شیوه مهم این نویسندگان در سبک تاریخ‌نگاری، کتاب‌سازی است. همان‌گونه‌ای که کتابهای «دستان انقلاب» و «پدر و پسر» محمود طنوعی با «خرنوب پیی» متوجه خواهد شد که سه «چسب و قیچی» رویه کتاب‌سازی است و یا کتاب «رون ارتش شاه» از خسرو معتضد قسمتهائی از چند کتاب نویسندگان مختلف است که تنها با کندن بخشی از آنها و نصب پاره‌ای تصاویر و نوشتن چند خط کتاب بسیار



قطوری شده است که خواننده را از وسعت تحقیقات آقای معتضد در ارتش شاه به اعجاب و ا می‌دارد!!

۵- زن‌پردازی: یکی دیگر از مشخصه‌های این مجموعه پرداختن به امور نسوان دربار است. سبکی همانند سبک مجله سپید و سیاه در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی. ذکر کردن حوادث مختلف روابط مشروع شاه و اطرافیان با هدف جذب بیشتر مخاطب، که در لفافه نوعی تبلیغ برای آن فضا را نیز به دنبال دارد. و حالا از باب خالی نبودن عریضه یک کنایه‌ای هم زده شود. دو جلد بسیار قطور «فوزیه» و «این سه زن» بهنود. نمونه‌هایی از این دست آثارند.

۶- نه‌تنده از تصاویر: یکی از روشهای جذب مشتری نحوه استفاده از تصاویر است اعتقاد به جذب مخاطب از طریق انتشار تصاویر بیشتر همراه با کمی سلیقه زن پردازانه، سبب فروش بیشتر کتاب می‌شود. خواننده یا ناآشنا به عصر پهلوی وقتی با این آثار روبرو می‌شود احساس می‌کند که رژیم پهلوی تقریباً هیچ نکته منفی جدی نداشت که قابل تحمل نباشد و ضرورت یک تحول وسیع و عمیق انقلاب را با خسارتهای بسیار را دنبال داشته باشد.

سنخ دیگر از تاریخ‌نگاری‌های انقلاب، متعلق به مخالفان حکومت پهلوی است که به چند گروه عمده تقسیم می‌شوند:

۱- اسلام‌گرایان؛ ۲- ملی‌گرایان؛ ۳- چپ‌گرایان

این سه گروه از مخالفین رژیم پهلوی را تشکیل می‌دادند. و آوردن آنها در یک مجموعه تحت عنوان «مخالفان رژیم پهلوی» به معنای «زن واحد آنها در تعاملات سیاسی و انقلابی نیست.

۱- اسلام‌گرایان:

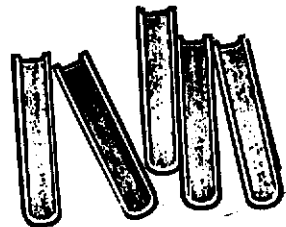
منظور ما از اسلام‌گرایان آن دسته نویسندگانی است که با اعتقاد به مبارزه در چهار چوب اسلام و رهبری حضرت امام خمینی (ره) وارد مبارزه علیه رژیم پهلوی شده‌اند هرچند این عنوان مبارزان مسلمان تندروان مساح انقلابی تا مبارزان معترض آرام را نیز شامل می‌شوند که همگی با اعتقاد به مبارزه در چهارچوب اسلام و رهبری حضرت امام خمینی وارد گود درگیری شده‌اند و مهمتر آن که انقلاب اسلامی را بویژه از حوادث سال ۱۳۴۱ پی می‌گیرند.

بدون هیچگونه مجامله و اغراق «حجة الاسلام سيدحميد روحاني» پيشگام اين مجموعه کارهاست که با نوشتن کتاب «بررسی و تحلیلی بر نهضت امام خمینی» در سال ۱۳۵۶ اولین قدم مهم را برداشت. برای نویسنده این اثر قاعدتاً چیزی کمتر از تیرباران را نمی‌بایست در آن تاریخ تصور کرد. و به همین خاطر نویسنده در آن کتاب نهایت سعی خود را ایجاد انزجار عمومی نسبت پهلوی‌ها مبذول داشت. ضمن آن که یکی از مجموعه‌های مربوط به تاریخ انقلاب اسلامی را نیز گردآوری کرده است.

کتاب مهم دیگر در این مجموعه، کتاب نهضت روحانیون ایران نوشته حجة الاسلام علی دوانی بوده است. این کتاب علی‌رغم حجم بسیار قابل توجه اسنادی که در آن استفاده کرده است به خاطر آن که جهت چاپ در مطبوعات نوشته شده است، متأسفانه نویسنده محترم آن را به صورت روزنامه‌ای و با دقت کمتری به چاپ رسانده است. و همین امر تا حدود زیادی از وزن و اهمیت کتاب کاسته ولی اسنادی که نویسنده توانسته است گردآوری کند، قابل توجه و درخور اهمیت است. در این میان لازم است از چند کتاب مهم دانشگاهی نظیر ریشه‌های انقلاب اسلامی حجة الاسلام عباسعلی عمید زنجانی نام برد.

نویسنده محترم ضمن تحلیلی تاریخی سیاسی و اندیشه‌ای از انقلاب اسلامی به ذکر سریع حوادث و جزئیات انقلاب می‌پردازد هرچند کتاب از فقدان دقت لازم و همچنین بافت دقیق و فشرده مطالب رنج می‌برد اما بی‌انصافی است که به نگاه عام و شامل نگارنده نسبت کلیت انقلاب و همچنین پاسخ به خلاء موجود به دیده احترام نگریسته نشود.

اثر دیگری که در این مرحله قابل توجه است، «تاریخ سیاسی معاصر ایران»، نوشته دکتر سیدجلال‌الدین مدنی است که پاسخی به درخواست شهید سرهنگ موسی نامجو است. اما این پاسخ، قدر و قیمتی درخور یافته است و توانست جایگاه خوبی در مراکز آکادمیک و دانشگاهی بیاید صرف‌نظر از نوع نگاه نویسنده و نشان دادن پاره‌ای از تمایلات و ترسیم چهره‌ای نسبتاً مثبت از مظفر بقائی که تا حدودی محصول حضور نویسنده در حزب زحمتکش‌ان است معذالک نویسنده پیوستگی حوادث تاریخی را به خوبی ذکر نموده است.





با گذشت چند سال از پیروزی انقلاب و سپری شدن جنگ تحمیلی زمان برای نگارش تاریخ انقلاب اسلامی فراهم آمد همین امر سبب شد مجموعه‌های متنوعی به امر تدوین تاریخ انقلاب اسلامی و گردآوری و چاپ خاطرات بپردازند. که این مجموعه و مؤسسات به قرار ذیل قابل برشمردن هستند.

۱- مرکز اسناد انقلاب اسلامی

۲- مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

۳- بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی

۴- دفتر ادبیات انقلاب اسلامی

۵- مرکز نشر و تنظیم آثار امام خمینی (ره)

۶- وزارت اطلاعات

۱- مرکز اسناد انقلاب اسلامی:

به دستور حضرت امام خمینی و با ریاست حجة الاسلام سید حمید روحانی شروع به کار کرد و مجموعه آثار مختلفی را به چاپ رسانده است که جدی‌ترین آنها جلد دوم و سوم «نهضت امام خمینی» بوده است. نویسنده در جلد سوم این کتاب که پر سر و صداترین آن بود، با انتشار پاره‌ای از اسناد مربوط به گروه‌های مخالف رژیم پهلوی به تحلیل نقاط ضعف آنها پرداخت و بیشتر با عینکی امروزی به حوادث دیروز نگریست و به «فقدان درک شرایط عینی یک زندانی سیاسی در چنگال ساواک رژیم پهلوی» نسبت داده شد. این مسئله بیشتر در مورد دست نوشته معروف دکتر علی شریعتی خطاب به سران ساواک اطلاق داشته است.

۲- مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی:

مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی که با اثر مشهور «ظهور و سقوط سلطنت پهلوی» و خاطرات «ارتشبد حسین فردوست» بر سر زبانها افتاد گام مهمی را در نوع نگرش نسبت به تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی برداشت. دیدگاه و منظم و مبتنی بر شناختی «اطلاعاتی» از حوادث سیاسی تاریخ معاصر که کمابیش از اطلاعات فردوست و اسناد در دسترس و مهارت محققان آن حکایت داشته است توانسته بخش اعظم از نویسندگان را عمیقاً تحت تأثیر خود قرار دهد، و به صورت ارجاع اصلی بسیاری از منابع تاریخی درآید.



این مرکز چند اثر دیگر نیز دیدگاه دیگری را مطرح کرد که «زرسالاران یهودی و پارسی» اثر عبدالمشهبازی و همچنین خاطرات احمدعلی مسعود انصاری نورالدین کیانوری و ایرج اسکندری از زمره این آثار مهم هستند.

۳- بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی:

از «بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی»، بهترین اثر بیادگار مانده، مجموعه مصاحبه‌های منتشر شده در مجله «یاد» است ضمن آن که کتاب «هفت هزار روز» اثر آقای «غلامرضا کرباسچی» تلاش خوبی نگارش یک کروئولوژی انقلاب اسلانی است.

۴- دفتر ادبیات انقلاب اسلامی:

دفتر ادبیات انقلاب اسلامی (حوزه هنری) که به عکس سایر سازمانهای دواتی، ابتدا از یک میز و صندلی واقع در یک کانتینر و آقای هدایت بهبودی تشکیل شده بود، آرام آرام با تلاش در گوشه حباب حوزه هنری و در دو اطلاق تاریک و حرج و جور راه سخت تدوین تاریخ انقلاب را در پیش گرفت.

این دفتر هرچند حمایت مدیریت حوزه هنری را بدینسان نداشت اما بسط منطقی و آرام آرام خود تبدیل به یکی از قطبهای عمده نگارش تاریخ انقلاب اسلانی درآمد. چه مجموعه سرن تاریخ انقلاب، و چه مجموعه تاریخ شفاهی انقلاب اسلانی و حد واحد ناموران معاصر افتدات اساسی مهمی را در این جهت بکار گرفته‌اند. بدین هیچگونه اغراق؛ اندک انتاری که در مجموعه تاریخ شفاهی به چاپ رسیده است، اگر بهتر از مجموعه تاریخ شفاهی ها، وارد نباشد، قطعاً کمتر نیست و نگارنده تا نوجد به آشنائی نسبت به مجموعه‌های منتشر شده هر دو مجموعه به خوبی وقوف دارد.

آثار دفتر به مراتب منظم‌تر، بهتر و دقیق‌تر گردآوری و تدوین شده‌اند از مجموعه آثار دفتر می‌توان از «خاطرات جلال‌الدین فارسی»، «روزشمار تاریخ انقلاب اسلامی» خاطرات حجة الاسلام هادی غفاری و خاطرات حجة الاسلام سیدعلی اکبر محتشمی» خاطرات و خاطرات آیتا... پسندیده نام برد که چند اثر فوق‌الذکر در نوع خود انصافاً از آثار کم‌نظیر بشمار می‌روند و هر کدام برگه‌های قابل توجهی از تاریخ انقلاب اسلامی را تبیین نموده‌اند. ضمن آن که آثاری نظیر خاطرات آقای مرتضی الویری، رحبعلی طاهری و



اکتبر برای همچنین خاطرات علی امینی و جهانگیر تفصلی نیز در این دو دفتر منتشر شده‌اند. و صدالبته این نیز درست است که پاره‌های از این خاطرات به همان بیماری معهول خود محجوبینی گرفتار هستند و بعضاً نیز گرفتار نادرده گرفتن نقش دیگران نیز هستند.

۵- مرکز نشر و تنظیم آثار امام خمینی (ره)

این مرکز فعالیت خود را در زمینه تاریخ انقلاب اسلامی آغاز کرده و تاکنون با چند اثر که بیشتر حول محور شخصیت حضرت امام خمینی (ره) دور می‌زند وارد عرصه تاریخ‌نگاری انقلاب شده است.

۶- وزارت اطلاعات

یکی از مراکزی که بسیار دیر به عرصه تاریخ‌نگاری انقلاب پا گذاشته است مرکز نشر اسناد وزارت اطلاعات است. وقتی حجم انبوه اسناد مربوط به شهدای بزرگوار چو آیت‌الله شهید دکتر بهشتی، آیت‌الله صدوقی شهید سید علی اندرزگو... را دیدم بسیار متأسف شده‌ام. چرا که نسل دوم انقلاب در زمانی که فرصت مطالعه داشت و این تیمینت و انبوه اسناد را می‌شناخت جز اطلاعات روزنامه‌ها و دهجۀ چندم از صداوسیما چیز دیگری نمی‌یافت که همیشه به‌طور پراکنده، آمیز و استمرار بسیار زیاد همراه بوده است و اگر مجموعه مطالب منتشر شد و در مطبوعات، اکتار هم بگذاریم که نگارنده چینی نیز کرده است غالباً نویسندگان مانند دانش‌آموزان از روی دست همدیگر بدون ذکر ماخذ زشته‌اند حال که این اسناد منتشر شده‌اند نسل دوم گرفتار زندگی سخت اقتصادی هستند و نسل سوم جوانان و نوجوانان نه بهشتی می‌ناسند و نه صدوقی و اندرزگو... در کنار این مجموعه‌ها باید به نوشته‌های پراکنده دیگر نیز باید اشاره کرد آثار نظیر مجمع سدهی منتشر شده توسط مؤتلفه اسلامی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و آثار منفرد دیگر پرداخت که هر کدام در شرایط سیاسی و زمانی خاص خود به چاپ رسیده‌اند که از ملاحظاتی سیاسی نیز بی بهره نبوده‌اند که تحلیل هر یک از آنها مجال خاص خود را می‌طلبد.

۲- ملی گرایان

دومین مجموعه مهم از مخالفین رژیم پهلوی که بیشتر مخالف استبداد سلطنتی (نه خود سلطنت) بودند، ملی‌گرایان هستند. مقصود ما از ملی‌گرایان، آن دسته از باقی‌ماندگان از نهضت ملی شدن صنعت نفت از

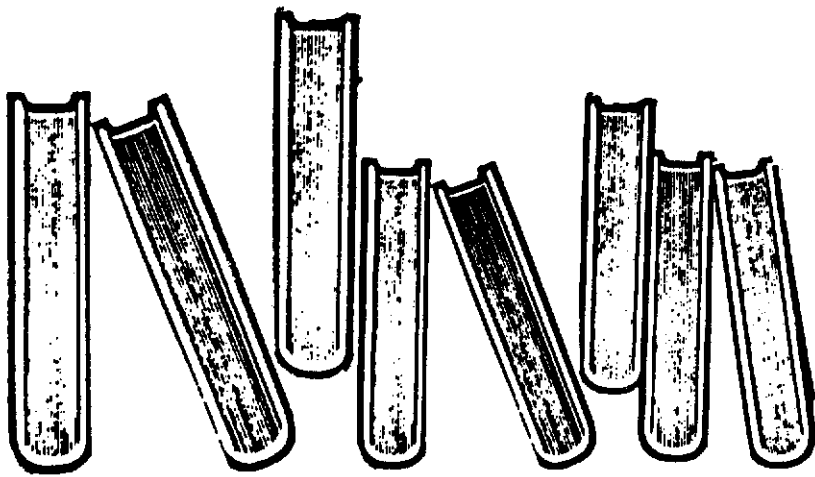


جبهه ملی و جدانشدگان از آنان یعنی نهضت آزادی و هواداران و پیروان آنان می‌باشند که البته سایر طیفهای ملی‌گرایان را نیز دربر می‌گیرد.

این دسته از نویسندگان با اعتقاد به رهبری دکتر محمد مصدق در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت، تقریباً هیچ شریک دیگری را برای وی بر نمی‌تابند و همگان را در ظل دکتر مصدق ارزیابی می‌کنند و در دیدگاه آنان بزرگترین قهرمان مبارزه با استبداد و استعمار خارجی مرحوم دکتر مصدق است.

تا اینجا که امر اثباتی است تا حدودی مسئله عادی است اما دعوی اصحاب تاریخ بر سر امر عدمی و نفی آن است. چرا که این نویسندگان نه تنها مخالفان مصدق را در جریان نهضت ملی شدن شریک نمی‌دانند بلکه به خاطر مخالفت‌هایی در بعضی شرایط آنان را شریک کودتا هم می‌شمارند. تاکید بسیار بر مخالفت‌های آیت‌الله کاشانی، نادیده انگاشتن نقش فدائیان اسلام، بزرگ کردن قضیه مجروح شدن دکتر فاطمی، تلاش فراوان برای انکار نقش فدائیان اسلام در ترور رزم‌آراء اصرار بسیار در جعلی نشان دادن اسنادی که موجب تبیین نقش واقعی دکتر مصدق می‌شود، از این دست می‌باشند با وقوع و پیروزی انقلاب اسلامی که افتخارآمیز بودن همه گروه‌ها را اغوا می‌کرد هم جبهه ملی و هم نهضت آزادی انقلاب اسلامی را دنباله و تتمه نهضت ملی شدن صنعت نفت و نهضت مقاومت ملی ارزیابی کرد که با اعتراض شدید امام خمینی مواجه شد. اما آنچه به عنوان آثار مهم تاریخی نگاشته شده بیشتر درباره فعالیت فروع نهضت آزادی و جبهه ملی پرداخته‌اند. به عنوان نمونه تاریخ ۲۵ ساله ایران سرهنگ غلامرضا نجاتی بیش از آن که تاریخ ۲۵ ساله ایران باشد تاریخ بیست و پنج ساله جبهه ملی و نهضت آزادی است و حوادث مربوط به سالهای انقلاب اسلامی بیشتر به تبیین مواضع این گروه‌ها اختصاص دارد تا حوادث انقلاب اسلامی.

مطالعه آثار چهره‌هائی چون دکتر غلامحسن صدیقی، کریم سنجابی، مهندس مهدی بازرگان، ابراهیم یزدی... همگی حکایت از تأکید بیش‌از‌پیش بر نقش سران جبهه ملی و نهضت آزادی در سقوط شاه دارد حال آن که به اقرار همه آنها آنان معتقد به براندازی نظام سلطنت نبوده‌اند و در برابر ابراهیم حضرت امام خمینی تسلیم نظرات ایشان شده‌اند، با این وجود وقتی تاریخ مکتوب اصحاب جبهه ملی و نهضت آزادی مورد مطالعه قرار می‌گیرد از همان درد یکسویه‌نگری و خود بزرگ‌بینی شدیداً رنج می‌برد.



۳- چپ‌گرایان

مقصود ما از چپ‌گرایان، نویسندگان مارکسیست اعم از منسوب به حزب توده و گرایش‌ات مشابه آنان می‌باشند. خاطرات کیانوری، اسکندری و تاریخ سی ساله ایران از بیژن جزئی از این دسته‌اند. (۱۵)

هرچند غالب آثار این نویسندگان پرداختن به تاریخ و عملکرد حزب توده و یا گروه‌های چپ دیگر است ولی در بیان مظالم رژیم پهلوی و بی‌رحمی‌های دستگاه‌های امنیتی شاه و ساواک منابع قابل توجهی می‌باشند. این نوشته‌ها که اخیراً به صورت خاطرات متعدد انتشار یافته‌اند غالباً درگیر مسائل درون‌گروهی و بیان علل اختلافات دوباند اصلی حزب توده یعنی جناح کانبخش کیانوری از یک سو و ایرج اسکندری از سوی دیگر می‌باشند. از آنجا که این نویسندگان و خاطره‌گویان، دیدگاه چپ‌گرایانه شدیدی دارند از دریافت باورهای عمومی و مذهبی مردم ایران عاجز بوده‌اند.

معذالک آثار این دسته از نویسندگان نگاهی ویژه از منظر چپ‌گرایی است که سالها برای رسیدن به مدینه فاضله‌ای از نوع «شوروی»، درد و رنج و مرارت و تبعید را به جان خریدند اما در آخر هرآنچه که بدان دل بسته بودند جز سراب چیز دیگری برای آنان به ارمغان نیاورد.

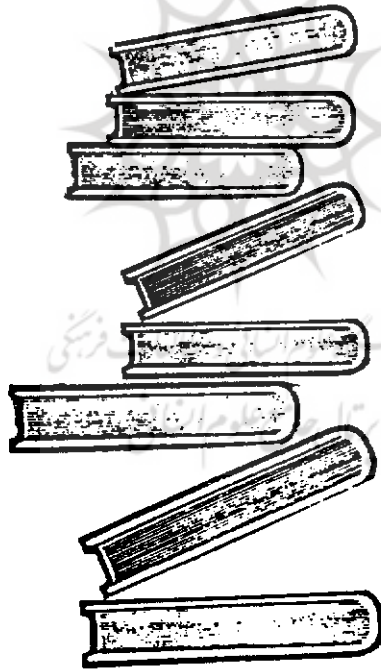
روال تدوین تاریخ انقلاب اسلامی، روالی است که با گرایشها و نگرشهای متفاوت و دارای خواستگاه‌های گوناگون تدوین شده است و هرچند ما به علت ضیق فرصت نتوانستیم همه گروه‌های موردنظر را در این مقاله ذکر نمائیم و آن را به فرصتی دیگر وا می‌گذاریم.

چه محققان و چه دانشجویان باید نسبت به این نکته اساسی توجه داشته باشند که خاطرات تحقیق، ارائه





تنظیم اسناد، انجام مصاحبه، هرکدام دارای سمت و سوی خاص خود است و هیچکدام از آثار تاریخ انقلاب اسلامی را نباید اثری مطلق و کامل دانست. چراکه هرکدام از این آثار خودگویای بخش قابل توجهی از تاریخ معاصر و انقلاب اسلامی است. و نادیده گرفتن هرکدام، در واقع نادیده گرفتن بخشی از تاریخ این مرز و بوم است. ضمن آن که ضرورت «نادیده نگرفتن» لزوماً به معنای ارزشی بودن و یا محق بودن آن دیدگاه‌ها نیست.



پی‌نوشتها:

- ۱- پهلوی. محمدرضا. پاسخ به تاریخ، ترجمه حسن ابوترابیان، ناشر. مترجم. تهران ۱۳۷۱.
- ۲- مجیدی عبدالمجید - مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد ۱۳۷۷.
- ۳- بختیار، شاپور - مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد ۱۳۷۵.
- ۴- امینی علی - مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد ۱۳۷۴.
- ۵- کلای امیر تیمور - مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد ۱۳۷۶.
- ۶- راجی پروین - خدمتگزار نخست‌طاووس ترجمه حسین ابوترابیان، انتشارات اطلاعات، تهران ۱۳۶۵.
- ۷- تفضلی جهانگیر - خاطرات. به کوشش یعقوب توکلی، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۷۵.
- ۸- هویدا فریدون - سقوط شاه، ترجمه ج. امهران، انتشارات اطلاعات تهران ۱۳۷۱.
- ۹- سولیوان ویلیام - ماموریت در ایران ترجمه محمود شرقی. انتشارات هفته تهران ۱۳۶۱.
- ۱۰- جردن، هامیلتون - بحران ترجمه محمود مشرقی. انتشارات هفته تهران ۱۳۶۲.
- ۱۱- ترنر - استانسفیلد. پنهانکاری و دموکراسی، ترجمه حسین ابوترابیان، انتشارات اطلاعات تهران ۱۳۶۶.
- ۱۲- اسناد لانه جاسوسی آمریکا. مجلات متعدد. دانشجویان مسلمان پیرو خط امام تهران. ۱۳۶۶.
- ۱۳- فردوست. ارتشبد حسین - ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، انتشارات اطلاعات تهران ۱۳۷۱.
- ۱۴- انصاری احمدعلی مسعود - پس از سقوط، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی تهران ۱۳۷۲.
- ۱۵- صمیمی مینو - پشت پرده تخت‌طاووس ترجمه حسین ابوترابیان، انتشارات اطلاعات تهران ۱۳۶۸.
- ۱۶- بهنود مسعود - از سید ضیاء تا بختیار - انتشارات جاویدان، تهران ۱۳۷۰.
- ۱۷- روحانی سیدحمید - بررسی و تحلیلی بر نهضت امام خمینی، بی‌جای تا ۱۳۵۶.
- ۱۸- عمید زنجانی - عباسعلی، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن کتاب سیاسی تهران ۱۳۶۸.
- ۱۹- مدنی سید جلال‌الدین - تاریخ سیاسی معاصر ایران دفتر انتشارات اسلامی قم ۱۳۶۱.
- ۲۰- شهبازی عبدا... زرسالاران یهودی و پارسی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی تهران ۱۳۷۷.
- ۲۱- نجاتی غلامرضا - تاریخ بیست و پنج ساله، خدمات فرهنگی رسا، تهران ۱۳۷۱.
- ۲۲- جزئی بیژن - تاریخ سی ساله، بی‌جای تا بی‌نا

